

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزها
طبع و توزیع میشود

یومیه

کابل ملین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روبه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار

سایر بلاد ایران سه شاهی است

اعلان سغری دو قران است

(روزنامه یومیه می آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)

(بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

چهارشنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری قمری ۲۶ فروردین ماه جلالی و ۱۵ آوریل ۱۹۰۸ میلادی

(مال کار بکجا میانجامد)

قال علی علیه السلام (من نظر فی المواقب امن من النوائب) این فرمایش مطاع بزرگترین سرمشقی است هر ملتی را در حفظ از مخاطرات آتیه و بهترین دستوریست هر قوم را در دفع از خسارات آینده هر ملتی که این آیت اقبال را در صحیفه اعمال خود ثبت کرده و در جریده وقت و آینه حال پدیده دقت صورت استقبال خود را مشاهده نماید هرگز دامن استقلالش را خارقنا و زوال نگردد و بر ساحت جلالش کرد مذلة و ادبار ننشیند زیرا که در ملاحظه پایان کار رشته سعادت و افتخار را بدست آورده و از روی فکر و تدبیر باب ترقی و عزت را بروی خویش میکشاید و درهای مخاطرات احتمالی و ضررهای یقینی آتیه را بسته و از بیم ضعف و انحطاط و تحلیل باجنب و فشار بیگانه ایمن میگردد تا بیخ گذشتگان سرمشق زندگانی آیندگان است و مقتضیات عصر حاضر راه نمای سعادت بینندگان دول متمدنه امروز با تمام قوا اطراف کار خود را سنجیده و عواقب امور خویش را ملاحظه میکنند و در هر احتمال پیشگویی که در تقع و ضرر خود تصور کنند و لو بعد از دو بیست سال دیگر امروز مقدمات کار را چیده و وسائل جلب و دفع از راه فراهم میکنند و بمعامدات سیاسی و تجارتی و حالات بلنکی مقاصد خود را اجرا کرده دایره نفوذ و قدرت خود را در دول همجوار و ملک همسایه وسعت می دهند دولة هوشیار همیشه قوای خود را با همسران می سنجد و استمداد خویش را با رقیب موازنه می کند در هنگام اتحاد و دوستی زمان خصومة و دشمنی را در نظر آورده و همیشه فکر آنست که استمداد خود را از هر جهة بر حریف غلبه

دهد تا روز سختی و درماندگی اسباب دفاع و لوازم مقابله اش مهیا باشد و اساس استقلالش متزلزل نکشته و دست بدامن این و آن نزند و حیات سلطنتش را از دوة دیگران نماند دولتی که بقا و دوام خود را طالب است و بفکر استقلال سلطنت خود می باشد دقیقه از فکر تأمین استقبال خود غفلة نمیکند و از جلب لوازم نیک بختی آتیه و دفع مخاطرات آینده خویش کوتاهی نمیورزد از نبرد دو حریف مقابل و دو خصم مقابل دوة عاقبة بین فکر خود را کرده و تهیه خویش را می بیند زیرا به یقین می داند و قیدیکه غلبه یکی از طرفین مسلم شد و حریف را مغلوب ساخت طمعش در ملک ستای بیشتر و حرصش در کشور گیری فزونتر خواهد شد دست تعدی همسایه دواز کرده و پای تصرف در مللکش باز می نماید دوستی قدیم را بر هم زده و جز نفع جدید خود چیزی منظور نخواهد داشت لهذا پیش از وقت پایان کار خود را ملاحظه کرده و جلو گیری از مخاطرات بعد را مصمم می شود این مسئله از مسلمات اولیه است که هر دولتی که بفکر عاقبت خود نباشد و وسیله مخاطرات آتیه را پیش بندی نکرده و سدی سدید نبندد و کرد عمارت استقلال و قاعه شرف خود حصار محکم و دیواری متین نکند فنا و زوالش حتمی الوقوع و ذلة و عبودیتش مسلمی است روس و ژاپن با یکدیگر مبارزه می کنند از کلیس قوای بحری خود را تجدید می کنند آلمان بر بودجه نظام خویش می افزاید اتانزونی کشتیهای جنگی را امتحان می نماید فرانسه بفکر بودن غنیمت خود می افتد امپراطور کره مست باده غفلة و بفکر عیش و عشرت سلطان عبد العزیز مطرب و رقاص و مغنیه را

دولة و حفظ سلطنة نيستند اينست كه ب فكر تبديجه گرفتن از خيالات خود اقتصاده و حالت حاله دولة و ماته ايرانرا مفتهم دانسته فرصت را از دست نميدهند و هر روز به بهانه مي خواهند اقدام ب معايات خود نمايند همسايه جنوب منطقه نفوذ براي خود معين كرده و مي گويد كاركنان قطعه كه در تقسيم سهمي ما واقع شده بايد انگليسي باشد و مستخدمين كرك و غيره در اين قطعه بايد اجرا نمايد لايه همين توقعرا نيز همسايه شمالي در منطقه خود خواهد كرد شما را بخدا هيچ خانه بيصاحبي مثل مملكت ما خواهد بود كه ديكران در هر كونه تصرف در اموران مختار باشند ؟ آيا ساكنين اين خانه را زنده و بيدار و داراي حس ملي توان گفت ! كه همين طور بيكار نشسته و منتظر ورود اجانب باشند و دست از باخظا نكنند ؟ اگر اين خانه را صاحبي بود اگر صاحب اين خانه ب فكر استقلال خود مي افتاد چرا اينگونه مضمح طمع و تسخير بيكلكان ميشد كه چون كرك كرسنه هجوم آورده و هر ساعت قصد در يدنش نمايند ايوكلاي محترم اي ماته ايراني اگر منتظر يد كه اسوده نشسته تا وزرا و رجال بر سر مهر و تلتطف آمده و سائل حفظ اساس مليه شما را فراهم نمايند بخدا خياليست بحال چه اينطايفه نمك ناشناس پيش از اين نميتوانستند كار صورت دهند كه سلطنة و دولة و ماته شما را در شرف زوال انداخته و كار شما را بچائي رسانند كه رتبه شاهنشاهي ايران از امارت افغان پست تر گردد چرا اين خيالات را اجانب در حق افغانستان روا نميدارند ؟ چرا ماته افغانيرا اينگونه در تحت سلطه و نفوذ خود نتوانسته اند در آورند ! چرا در امضا نكردن امير افغان معاهده نامه دولتين را كيك بشلوار شان اقتصاده و اشفته شدند . ولي باينهمه داد و فرياد شما ابتدا اعتنا نكرده و باقدمات عمليه خويش پرداخته اند ؟ زيرا عيسى و بيدردى اونباي شما را بخوبي دانسته اند و حين و مرعوبيت را باشير بشورود آنان داده اند مي دانند كه باعت نفوذ و سلطه ايشان بزرگان شما شده اند و از براي منافع شخصي خود منافع عمومي سي كرور ماته و بزرگزين دوله را ببياد داده اند بايتمال هر كز ب فكر حفظ و نكهداري شما نخواهند افتاد — اگر اين بي حيتانرا انصاف بودي و مروت و رحم باخلاف خود كرده و اينگونه بخراي خود مكر نميستند با آنكه در هر ضروري كه بدين ملك رسد از ده قسمت نه تاي آن راجع بايشان يكي نصيب عموم ماته است مال كار خود را اند بيشتر بدست خود تيشه بريشه خويش نميزدند هيچ دليل بهتر از اين نميتوان دست داد كه در اين دو سال با هزاران زحمة

از مصر پمرا كشن دعوت مي كند و وزراي ايران به چايدن رعيه و خرابي مملكت و ضعف دولة و جنگ خانكي مي پردازند انوقت تبديجه غفلة و عدم مال انديشي همين است كه رشته حيات سلطنة كمره كسيخته و استقلال دولة عظيمة اش محو ابدى مي كرده بالهنگ عبوديت زابونيانرا بگردن نهاده خود را ذليل و اسير ايشان مي بينند تبديجه غفلة است كه طنين كنانچه سازندگان مصري بدل بفرش توپ كرور فرانسه مي شود هول روز رستاخيز عرصه مرا كشي را كرفته سلطان عبد العزيز را عيش و عشرت حرام كرده بزرع و دهشت مبتلا ميسازد تا عاقبت بحكم اجبار تحت سلطنترا وداع گفته و مملكت خود را تسليم باجانب نمايد جنگ خانكي وزراي ايران و غفلة از بلبك همسايگانست كه دولة شش هزار ساله از شدت ضعف و پستي در عرض شصت سال چين و خوف را باس صلح جوئي ملك خود قرار داده و حقوق خارجه خود را بر سر اينكار كذا رده حتى در داخله خود هم از استقلال جز اسمي براي باقى نمانده و بهر نمدى و تجاوزي كه بيكلكان در حقش روادارند سكوت كرده و اناترا در خانه خود فعال مابشه و مختار مطلق قرار دهد تا آخر الامر خود را در دركات نيسي و فناي ابدى وارد سازد و سي كرور ماته اسلامي را ذليل و محتاج بيكلكان كرده و بتصرف ديكران دهد و ماته را چنان بتفاق و جهالة و عيسى عادت دهد كه پس از هزار سال خواب غفلة حال كه بيدار شده و از خرابي و پریشاني خود خبردار كشته اند هيچ ب فكر حفظ حقوق خود نيستند و در اين دو ساله قدمي در راه ترقى نكذاشته اند و از لوازم حفظ استقلال دولة و نكهداري ماته خود چيز را فراهم نكرده و دري از مخاطرات بروي خود نبسته اند

چنانكه ديديم در دوره بيداري ايرانيان بيكلكان خانه اشان را تقسيم كرده و هر كدام براي خود سهمي معين كردند در بيداري ايرانيان كه در سرحدات و اطراف تحطبي كرده و از حقوق خيود تجاوز نمودند دولة عليه رعيه پرور و ماته غيور بيدار نه پنداري كه تكليفي برعهده آنان در حفظ دولة و ماته خود مقرر است و رجال مملكت چيزي را كه در خيال نيستند رفع مخاطرات خارجه و به چيزي كه نمي پردازند امنيه و آبادي داخله در آنچه سي و كوشش دارند خرابي و ولايات و پریشاني رعايات حاله كه اجانب خوب ما را شناخته و معني بيداري ما را دانستند كه بجز تفاق و غرض و خرابي يكديكر و بجان هم افتادن چيزي نيست و رجال ايران جز حفظ منافع شخصي آتم در و يراني مملكت در بدري رعيه منظوري ندارند و جز راه طمع و خيانت طريقي نمي چايند و دقيقه ب فكر استقلال

يا نه
۴ قران
۴۵ قران
۱۰ منات
۳۰ فرانك
غفلة
دينار
ماهي است
ان است



اع و لوازم
ل نكته و
دا از دولة
م خود را
باشد دقيقه
و از جلب
ويش كوتاهي
خصم مقاتل
خويش را
ن از طرفين
س در ملك
تر خواهد
تصرف در
و جز نفع
ذا پيش از
كيري از
از مسلمات
نباشد و سيل
سديد نبندد
حصاري محكم
لوقوع و ذلة
ديكر مبارزه
ديد مي كند
و ن كشتيهاي
ن غيبة خود
نكر عيش و
و منته را

بالغ برسد کرور خسارت و اینهمه تلفات جانی که تحمل نموده اید و اساس مشروطیت و مجلس شورایی برای حفظ حقوق و حدود خود برپا کرده اید و وزیران در محنت مسئولیت و قانون آورده اید چه اغتشاشات در داخله مملکت فراهم کرده و چه گرفتاریها برای شما پیش آورده اند عوض ترقی شما را نزل داده و بودای هلاکت نزدیکتر ساخته اند کدام خدمتی را در این مدت نموده اند؟ کدام روز شما را آورده گذاشته اند آیا اینهمه تلفات مالی و جانی را غیر از اینها کسی دیگر بر شما وارد آورد؟ اینهمه خرابی جز از ایشانست؟ هر جا که یک جنبش از شما دیدید هر وقت دیدند خیانتان بر شما واضح و آشکار شد و در ملک مملکت شما بحرکت آمده و مقام مجازاتشان بر آمدید بیک ورود در مجلس و اظهار همراهی و لقلقه زبان و قسم دروغی شما را ساکت کرده و باز مشغول کار خود شدند و کلاهی محترم شورایی بحسن صداقتی که دارند کول زده و شما را مطمئن ساختند آیا گمانیکه در داخله حقوق شما را پامال کنند و هر روز به بلبه گرفتاران سازند متوقعید که حقوق خارجی شما را حفظ کرده و شما را از مخاطرات اجانب خلاص کنند؟ زهی سادگی!!! زهی تصور باطل!! بقیه دارد

﴿ اخبار شهری ﴾

از نشر اخبار و وقایع ناز که در این چند روزه اتفاق افتاده بملاحظه اینکه نتیجه بدست آید و عاقبت کار معلوم شود دوسه روزی تأمل نمودیم چون مطلب دنباله یافته و هنوز نیز بجائی منتهی نشده لهذا بترتیب شروع نموده و خلاصه گزارشات این چند روزه را بعرض میرسانیم خاطر قارئین کرام مسبق است که پس از وقوع قضیه هایل (بمب) هيجان غریبی در عامه خلق از این سوء قصد نسبت بشخص اعلیحضرت دست داده و عموماً دستگیری مرتکب و سبب آنرا از مصادر امور مطالبه مینمایند و کلاهی محترم در این خصوص آنچه لازمه اقدام است نموده و از وزرای مشغول جدا دستگیری مرتکبین را میخواهند و نیز مجامع ملی و انجمنها مراقبت و اهتمام نامی در این خصوص نموده و از گوشه و کنار در صدد تحقیق و کشف حقیقت بر می آیند اداره نظمی که برپا است معتقد دیوان است و امنیت شهر و دستگیری اشرار برعهده اوست در این مدت با اقدامات خلاف قانونی پرداخته و بمجرد ظن و گمان در چند نقطه شبها بخانه مردم ریخته و بدین بهانه آنها را گرفته و پس از رسیدگی و عدم تقصیر ایشانرا رها میکرد چنانچه بر کفره اش را در خصوص ریختن بخانه میرزا حسن پاشای ساز و آن حرکات ناپسندیده در چندی قبل بعرض قارئین کرام رساندیم و این کفره خود در این شهر باعث سلب امنیت و موجب وحشت و دهشت اهالی شده بود

تا آنکه پس از حاکم شدن حاجب الدوله کار رنگین تر شده و در دوره مشروطیت همان ترتیبات زمان استبداد و حرکات آقابالا خان سردار تازه میشود در شب چهارشنبه ششم شهر جاری عده کثیری از زاندارم و سرباز و پلیس و غیره دوساعت شش و هفت به چندخانه ریخته (و اشخاص مفعوله ذیل را) حیدرخان ، میرزا اسمعیل عبدالله زاده ، ضیاء السلطان بایسرزنش ، میرزا موسی زرگر ، میرزا آقا ، حیدر آقا ، غلامحسین خان ، حسن دستگیر می نمایند و همان شبانه در گلستان برده حبس و زنجیر میکنند فردای امروز که خبر بانجمنها میرسد تمام در مدرسه سپهسالاران اجتمع کرده و این خلاف قانون را پروتست مینمایند عریضه بمجلس مقدس عرض کرده که بر فرض ثبوت تقصیر بکدام قانون نفس شب بخانه خلق میتوان ریختن و اهل و عیال بیچارگانرا مضطرب نمودن؟ قانون اساسی منزل و مکان خلق را این داشته و بدون حکم کتبی محکمه عدلیه نمیتوان کبیرا دستگیر نمود . ملت تکلیف خود را در این باب از مجلس میخواهند مجلس و وزراء احضار کرده ایشان اظهار بیخبری از این حرکات میکنند معلوم میشود رئیس نظمی و حکومت از جانب خود بدین امر اقدام نموده — خلاصه آخر الامر قرار میشود که فردای امروز حاجب الدوله و معتضد دیوان را در عدلیه حاضر نموده و استتطاق نمایند تا باعث براین حرکت معلوم گردد پس از آن اشخاصیکه دستگیر شده اند استتطاق نموده و در ثبوت تقصیر بمجازات رسند — روز شنبه ۹ جمع کثیری از انجمنها در عدلیه برای استتطاق حاجب الدوله و معتضد حاضر شدند و ایشان از آمدن عدلیه ابا نموده بدین واسطه هيجان و شورش غریبی در خلق افتاده و از انجا رو به بهارستان و در ساحت مجلس مقدس جمع شدند و از گمانیکه دستگیر کرده بودند سه چهار نفر را کتبی تقصیر ایشان ثابت شد در همان روز رها کردند انجمنها تا اول شب در بهارستان مانده و منتظر تکلیف بودند قرار بر این شد که روز یکشنبه از هر انجمنی یک نفر در بهارستان حاضر شده و به همراهی چند نفر از وکلاء بمحکمه عدلیه ابر برای استتطاق حاجب الدوله و معتضد حاضر شوند (باقی دارد)

﴿ لایحه شهری ﴾

(قابل توجه اداره جلیله بلدی)

همواره مترصد خدمات تایان و بزرگ بودیم از این انجمن محترم که نسبت به بلبه نجیب غیور بظهور و بروز رسد هر چه صبر کردیم و انتظار کشیدیم چیزی بیکه شیشه داشته باشد و حاکی از مقام منبع ان ذوات مقدسه باشد نیافتیم هر وقت خواستیم بجنبه بشریة و جوانیه که در

یعنی الهم قالا هم را باید مورد نظر قرار داد اگر مآه از کرسکی تلف شوند چراغ برقراری خواهند چه بکنند (مردم اندر حسرت فهم درست) (اینکه می گویم بقدر فهم تست) (سلطان العلمای قمی)

(تلکراف حجة الاسلام خراسانی بجناب سپهبدار)
جناب مستطاب اجل اکرم آقای نصرالسلطنه سپهبدار دام اجلاله سابقاً از شرح نطقهای شفا به جناب اجل عالی در تشیید اساس قویم مشروطیت و حفظ استقلال دولت و حدود مملکت و حقوق ملت مشروحاً مستحضر و بصدرق دولت و مملکت خواهی جناب اجل عالی امید واری کامل حاصل شده بود بحمدالله تعالی و حسن تأیید اقدامات مجدانه و مجاهدات غورانه که در دفع اشرار ترا که فرموده اید موجب مزید امتنان و اطمینان و البته از مثل انجمن جناب اجل که از اکتی رجال دولت و ملتید همین قسم مترقب و رجاء و اتق چنان است که انشاءالله تعالی همواره موجبات اعلاء دین و دولت و مملکت و مملکت و حفظ قوانین قوم عدالة و مشروطیت که شجره سعادت و سرمایه ترقی است بتزید تأیید و تسدید مخصوص خواهد بود انشاءالله تعالی الاحتر محمد کاظم خراسانی ۸ ربیع الاول ۱۳۲۶

تلکراف از قم — به طهران

جناب معاون الممالک محضاً الله بهرک برسانید مجلس مقدس ... حجج الاسلام وزارت داخله و وزارت خارجه وزارت عدلیه ارباب جراید تمام انجمنها حسین تراقی قاتل یاغی باسر ام الفساد مجسمه استبداد صدر و اونچی همدست ورود جناب وزیر اطمینان گرفته با چند نفر سوار از بست خارج سمت راونج تراقی عازم عنقریب صدقل نفس و غارت اموال خواهند نمود سریمماً جلویگیری فرمائید پدر از شیراز می شود دوماه است امیرالسلطنه مامور معطل پاترزه سوار وزیر جنک است با وجودیکه جیره و علق شش ماه شان داده شد سوارش نرسیده اگر کاسه زیر نیم کاسه نیست حکم سریع صریح فرمائید هزبر السلطنه بختیاری یا معظم السلطان کلپایکانی یا دیگری عاجلا جلویگیری و قلع قمع این دو نفر شریر را بفرمائید و کلاً (عموم رعایای تراق معاونالتجار . حاج اسدالله . حاجی حبیب الله . شکرالله . علیخان . محمود)

(اعلان)

یکدستگاه کالسکه هشت آینه بسیار ممتاز جدید روز پنجشنبه چهاردهم شهر ربیع الاول دو تیمچه جناب حاجی محمد اسماعیل آقا مغازه مزاج می شود هر کس از آقایان میل داشته باشد در سه ساعت بفرود مانده روز مزبور حاضر شود

(حسن الحسینی الکاشانی)

انسان و دیمه گذارده شده از نظم نان و گوشت و سایر امور معاشیه که لازم حیوة بشر است سختی برانم هم مسلکان وطنی و مشروطه خواهان حقیقی باد باستین داعی و امثال داعی که صاحب حس قومی و ملی می باشم فی الجمله نمودند که شما از روحانین و عقول مجرده و ارباب انواع هستید قبیح است از شما ترنم باین مقاله شما باید از وضع قوانین کلیه و ترتیب آنها محبت کنید از انجمنیکه هر انسانی بعد از فکر آگاه می شود که افراد بشر دو جنبه دارد روحانی و حیوانیه و یکی اینکه وضع قوانین در عهده مجلس مقدس شوری ملی شیدالله ارکانه است مدتها معارضه بانفس می نموده و تحمل این تکلیف را از مشاق شمرده نظر پرمایش اخوان الصفا ساکت و صامه نشسته به پیچوجی از اینگونه دم ترده بحمدالله معلوم می شود که اهالی وطن عزیز بالنسبه حکیم و دانا شدند فهمیدند خداوند فوایی در انسان خلق فرموده هر قوه ملائم خود را طالع و جالب است قوه عاقله ادراک می خواهد قوه باصره ملتذ می شود بصور حسنه قوه لامه نرمی را خوش دارد و هكذا با این مقدمه نمی شود گفت تمام قوه عاقله باشند یا تمام قوه ذائقه باشند و مدرکات آنها پس باید هر قوه را بملائم و مناسب خود رساند و الا ظلم واقع خواهد شد بیانات طویله که موقی از برای ذکر آنها فعلاً بعد از ادراک حسیات مذکوره صریحاً خدمت ان انجمن محترم زحمة بعرض می دهد ما صرف نظر کردیم از اینکه خدمات بزرگ و شایان از بلدی بمنصه ظهور برسد بجهت حیوانیت اظهار می دارد چه جهت دارد بلدی بتکالیف خود عمل نمیکند وظیفه بلدی اینست که توجه در امر نان و گوشت نظم دهد به چه اندازه منظم است هر محلی بقیمتی خرید و فروش می شود محتاج بشرح و بسط نیست نان بهتر از گوشت شده خیل نظم مسجع و مقفاتی دارد کندم خروار هفت تومان است نان یکقران ایکاش دریک قران درست و تمام می دادند فی الحقیقه یکمن شش عباسی باین مردم فقیر بچاره خباز نان می دهد این قافیه بود اشتباه نشود بسجع . از انطرف ذره بینی های بلدی را هم خوب است عرض کنم بحکم انحصار (عیش ارجله بکنی هنرش نیز بگو) در این ایام از ساحت مقدس بلدی حکمی شرفصدور یافته که اطفال ترقه محترق نازند بسیار خوب است شاید طفل منصدم شد بهتر از این اینست که توجیهی فرموده چند روز اوقات خود را صرف اسعار نمائید که مردم از کرسکی تلف نشوند علماء می فرمایند ثبت الارش ثم اتقص عرفاء می گویند بلسان عوامی اول و جود است دوم سجود